

Presenting an Empowerment Hybrid Model for Marginalized Women

Faranak Mousavi*
Gholamhossein Barekat**
Mohammad Hosseinpiur***

Introduction

Empowering local communities is a way to properly distribute sustainable social, economic, cultural and psychological resources. Relying on internal capacity and prioritizing needs to provide conditions for self-improvement and sustainable development of communities such as women and marginalization only through empowerment they are available. This study was conducted with the aim of designing and compiling an empowerment model for marginalized women in Ahvaz city.

Method

This research has been carried out by a mixed method (qualitative-quantitative) of exploratory type. Data were collected through in-depth interviews and questionnaires during 1998. In this regard, in the qualitative section, using the purposeful judgment method, 10 experts facilitators and journalists who have been active in this field, have been selected in a small statistical sample. Also, 357 women in the suburbs of Ahvaz have been selected. In the qualitative part, coding technique (open, axial) was used to analyze the data. In the quantitative part, descriptive statistics (mean, standard deviation and variance) and inferential statistics (exploratory factor analysis) were used to analyze the data.

* PhD Student, Department of Educational Management, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

** Associate Professor, Department of Educational Management, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran. *Corresponding Author:* v_data@yahoo.com

*** Associate Professor, Department of Educational Management, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Results

The data obtained in the present study were taken from the opinions of experts active in the field of women and women living in the suburbs of Ahvaz in three dimensions of psychological (with 18 open codes), economic (with 11 open codes) and socio-cultural (with 31 open codes).

Conclusion

Marginalized women in many cases, especially social issues such as family, marriage, child rearing and even issues such as pregnancy and health did not have enough information which is based on lack of awareness in this area and should raise their awareness. They should be empowered in psychological, cultural, social and economic dimensions and that the final model presented in this study can be helpful.

Keywords: Empowerment, Marginalization, Development, Psychological dimension, Socio-cultural and economic

Author Contributions: The contribution of the authors to the present study has been the same.

Acknowledgments: We would like to thank all the participants in this study.

Conflicts of Interest: The author declare there is no conflict of interest in this article.

Funding: This article was done at the author's own expense.

ارائه مدل ترکیبی توانمندسازی برای زنان حاشیه‌نشین

سیده فرانک موسوی *

غلامحسین برکت **

محمد حسین پور ***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی و تدوین الگوی توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین انجام گردیده است. این تحقیق با روش ترکیبی (کیفی-کمی) از نوع اکتشافی انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق طی سال ۱۳۹۸ جمع‌آوری شده و در همین راستا در بخش کیفی با به کارگیری روش هدفمند قضا و تیم در بخش کمی نمونه آماری را ۳۵۷ نفر زنان حاشیه‌نشین شهرستان اهواز تشکیل دادند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی از فن کدگذاری (باز و محوری) و در بخش کمی از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (تحلیل عاملی اکتشافی) بهره گرفته شد. داده‌های به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر برگرفته از نظرات خبرنگاران فعال در حوزه زنان و زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز در سه بُعد روان‌شناختی (با ۱۸ کدباز)، اقتصادی (با ۱۱ کدباز) و اجتماعی-فرهنگی (با ۳۱ کدباز) بوده است، سپس الگوی توانمندسازی زنان شهر اهواز ترسیم گردید. زنان حاشیه‌نشین در بسیاری از موارد به ویژه موضوعات اجتماعی، خانوادگی، همسرمداری، کودک‌پروری و حتی موضوعاتی از قبیل بارداری و سلامت بی‌توجه هستند که اساس این بی‌توجهی، عدم آگاهی در این زمینه می‌باشد و برای بالا بردن سطح آگاهی آنان باید به توانمندسازی آن‌ها در ابعاد روان‌شناختی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی پرداخته شود.

کلید واژگان: توانمندسازی، حاشیه‌نشین، توسعه، بُعد روان‌شناختی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی

* دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

** دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

v_data@yahoo.com

*** دانشیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

مقدمه

زنان حاشیه‌نشین به دلیل دشواری‌ها فراوان و تعدد نقش، یکی از گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه به شمار می‌آیند. بنابراین نیازمند پشتیبانی‌های بیشتر، از جمله برنامه‌های توانمندسازی هستند (Farhadi, Yarmohamadi Vassel, Zoghi Paidar & Chegini, 2017). از آنجاکه از یک طرف حدود نیمی از جمعیت حاشیه‌نشینان را زنان تشکیل می‌دهند که علی‌رغم تأکیدات زیاد بر مسائل سکونت‌گاه‌های غیررسمی، متأسفانه نظام باورهای اجتماعی و فرهنگی این گروه، مانند خرده‌فرهنگ فقر در حاشیه‌ها، باورهای زنان راجع به مشارکت، روابط همسایگی، نگرش به آسیب‌های اجتماعی، خانواده، فرزندآوری و سبک زندگی مورد غفلت محققان شهری قرار گرفته است. زنان حاشیه‌نشین به دلیل فقر فرهنگی، اقتصادی و عدم دسترسی به مواهب و خدمات شهری به‌خصوص وضعیت نامناسب بهداشت محیط و بهداشت فردی از بُعد سلامت جسمی و گاهی روحی در رنج هستند. به ویژه باروری بالا با سطح نازل بهداشت، زنان را در معرض انواعی از بیماری‌ها قرار می‌دهد. بر اساس نظریه «تله محرومیت»، چمبرز این زنان از پنج خوشه نامساعد ۱- فقر ۲- ضعف جسمانی ۳- انزوای خانوار ۴- محرومیت و آسیب‌پذیری ۵- بی‌قدرتی خانوار رنج می‌برند (Naghdi, 2015). عدم برخورداری از امکانات مناسب زیست شهری، پدیده‌های منفی از جمله اعتیاد، دزدی، بزهکاری‌های اجتماعی، قاچاق، بیکاری و غیره، از جمله خصوصیات مناطق حاشیه شهرها است (Ayatollah, 2017).

توانمندسازی فرآیندی است که طی آن زنان روستایی از نیازها و خواسته‌های خود آگاه می‌شوند و جرأت دستیابی به هدف را در خود تقویت می‌کنند (Heidari Sareban, 2019). در واقع توانمندسازی زنان تقویت توانایی‌های آنان در دستیابی به نتایج سودمندی از قبیل بهبود سلامت و تغذیه خود و فرزندانشان، کنترل بیشتر زنان بر مسائل جنسیتی و بارداری و کاهش و جلوگیری از خشونت علیه آنان از سمت همسر و یا محارم توصیف می‌شود (Sraboni & Quisumbing, 2018). نظریه توانمندسازی^۱ به سطح مهم رفاه، دسترسی آگاهی، مشارکت و کنترل به‌عنوان مبنایی برای سطح توسعه‌یافتگی زنان اشاره می‌نماید. همچنین سه پارادایم کاهش فقر، خودکفایی پایدار مالی و توانمندسازی جنسیتی راه‌حل نابرابری‌های اقتصادی مبتنی بر جنسیت در اقدامات توسعه‌ای بیان شده است (Noroz, 2016).

دانشمندان به‌طور کلی در مورد چند عامل کلیدی که تعیین‌کننده و یا اثرگذار بر توانمندسازی می‌باشند، توافق نظر دارند. این عوامل عبارتند از: سن، جنس، وضعیت تأهل، ملیت، نقش اجتماعی، فعالیت اقتصادی، توزیع درون خانوادگی و سلامتی. اما عاملی که اغلب به عنوان عنصر شاخص و کلیدی توانمندسازی در نظر گرفته می‌شود، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد. در حالی که، منابع (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) اغلب در حصول توانمندسازی زنان نقش اساسی دارند، اما همواره کافی نیستند. بدون توانایی جمعی یا فردی زنان برای شناخت و بهره‌برداری از منابع در راستای منافع، منابع قادر نخواهند بود توانمندسازی را برای زنان به ارمغان بیاورند (Sell & Minot, 2018). برنامه توسعه پایدار سازمان ملل متحد برای رسیدن به آینده‌ای یکپارچه و متشکل از عدالت اجتماعی و اقتصادی در تلاش است (Holliday, Hennebray & Gammage, 2018). برابری جنسیتی در اهداف ۵ گانه توسعه پایدار (رفاه، دسترسی به منابع، ارتقاء آگاهی، مشارکت، و کنترل) مشخص شده است و در اهداف خود به صراحت در دستیابی تمامی زنان و دختران به برابری جنسیتی و توانمندسازی اشاره دارد (Ewerling, Lynch, Victora, van Eerdewijk, Tyszler & Barros, 2017).

بر اساس یافته‌های پژوهش (Karimivakil, Shafiabadi, Farahbakhsh and Younesi_ (2017) توانمندسازی روان‌شناختی فرآیند قدرت بخشیدن به افراد است که به آن‌ها کمک می‌شود تا احساس توانایی و شایستگی خویش را بهبود بخشند و بر احساس ناتوانی و درماندگی غلبه کنند. (Torabi Momen, Raheb, Ali Pour and Biglaria (2017) در پژوهش خود نشان دادند که توانمندی روانی با ابعاد عزت‌نفس، خوداثربخشی، استقلال فکری، احساس قدرت و در توانمندی اجتماعی با ابعاد مشارکت در امور اجتماعی و جمع‌گرایی بین افراد آموزش‌دیده با افراد آموزش‌ندیده تفاوت معنی‌داری وجود دارد. (Kermani, Noghani Dokht Bahmani and Kashani Bradaran (2018) پژوهشی نشان دادند که در مجموع عواملی همچون تحصیلات، اشتغال، داشتن مهارت‌های اجتماعی، اعتماد به نفس، خود ارزشمندی و بهره‌مندی از آموزش‌های عمومی از عوامل مؤثر بر توانمند شدن زنان روستایی و شهری بوده است. (Heydari (2018 معتقد است که بهبود وضعیت زنان جزء الزامات اصلی در بهبود شاخص‌های توسعه در هر جامعه است. یکی از شاخص‌های تأثیرگذار بر روی مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان، آموزش و توانمندسازی آنان است. به هر میزان روی آموزش و مهارت‌آموزی زنان برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری گردد، اثر مستقیم و

غیرمستقیم روی مشارکت اقتصادی و سیاسی کشورها دارد. نتایج پژوهش (Afshan and Fatehi, 2016) نشان داد که متغیرهای تحصیلات، وسایل ارتباط جمعی، حمایت اجتماعی، سلامت عمومی و تغذیه دارای رابطه مثبت و معنی‌دار با مقدار توانمندی زنان سرپرست خانوار بود. نتایج پژوهش (Cinar and Kose, 2018) نشان داد که درآمد، زندگی اجتماعی و تحصیل و آموزش بیشترین ضریب را در ارتباط با توانمندسازی جنس زن داراست. (Toighyanfar, Azizi, 2016) Seifori, Behjati Asl and Ghayedgivi در پژوهش خود نشان دادند که توانمندسازی زنان براساس طرح‌های خودکفایی، بر پایه آموزش، کسب فنون و مهارت‌های شغلی، تقویت روحیه خودباوری، ایجاد انگیزه در چارچوب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نیز دریافت مشاوره‌های نوین شغلی متناسب با شرایط و مقتضیات نوع شغل استوار است.

دلیل استفاده از روش تحقیق ترکیبی، طراحی و تدوین الگوی توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز با رویکرد توسعه پایدار بوده است. نخستین مرحله یک مطالعه کیفی اکتشافی توانمندسازی زنان از طریق گردآوری داده‌های ابعاد روان‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی فرهنگی از زنان حاشیه‌نشین در شهر اهواز بوده است. سپس از یافته‌های مرحله کیفی برای آزمودن الگوی توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز با رویکرد توسعه پایدار، شناسایی وضعیت موجود زنان و ابعاد توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز که توانمندسازی زنان را با بُعد روان‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی ربط می‌دهد، مقایسه می‌کند. آنچه مسلم است در کشور ما پژوهش‌های زیادی در زمینه توانمندسازی زنان به‌طور عام انجام شده اما به‌طور ویژه به موضوع توانمندسازی زنان حاشیه پرداخته نشده است. زنان حاشیه‌نشین به‌عنوان افرادی که در کنار شرایط نامطلوب زندگی پتانسیل بسیار بالایی را برای ورود به عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی دارا می‌باشند؛ اما با وجود محدودیت‌های بسیار سخت‌گیرانه که عموماً از سوی خانواده و قوانین عرفی طایفه‌ای ایجاد شده است و ایجاد چنین باوری که آنان افرادی ناتوان و بدون هیچ‌گونه قابلیت و ظرفیتی برای رشد و پیشرفت حتی در بستر خانوادگی هستند رشد و تربیت یافته و خود باعث پدید آمدن مشکلات عدیده‌ای دیگر به‌خصوص در امور فردی و سلامتی گشته است.

این پژوهش تلاش کرده ضعف‌های پژوهش‌های انجام‌شده در گذشته را پوشش دهد و چارچوب مفهومی توانمندسازی در این پژوهش با تأکید بر رویکرد توسعه پایدار بیشتر متأثر از

رویکرد توانمندسازی می‌باشد. اگرچه اقداماتی از سوی دفاتر تسهیلگری در ارتباط با توانمندسازی زنان در مناطق حاشیه شهر اهواز صورت گرفته، اما به واسطه عمق پدیده و گسترش آن، خروجی حاصل از آن چندان چشم‌گیر نیست و نیازمند حمایت‌های گسترده‌تری در سطح استانی و ملی برای این مناطق می‌باشد. با توجه به این‌که استان خوزستان سرشار از منابع غنی است، اما عامدانه یا ناخواسته تبدیل به یک استان محروم در کشور شده است و این محرومیت نیز در زندگی جمعیت بسیار گسترده‌ای از مردم این استان خود را نشان داده است.

لذا می‌توان مدل کلی توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز را بر اساس ضرورت در سطح مقوله‌ها به طریق زیر ترسیم نمود (شکل ۱).

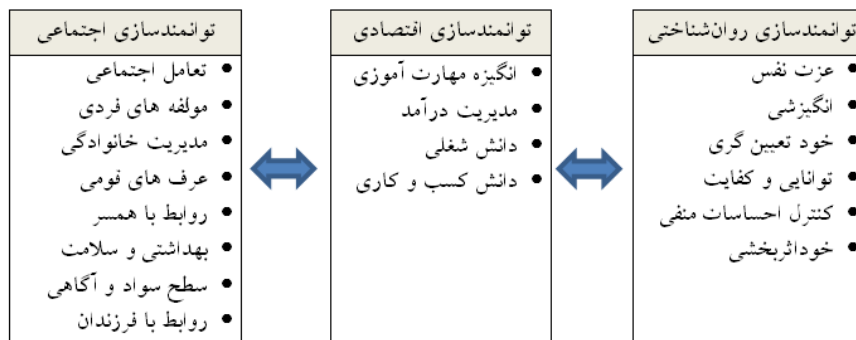


Figure 1. General model of sustainable development of empowerment of marginalized women in Ahvaz

روش پژوهش

جامعه‌ی آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی بنیادی و از لحاظ روش ترکیبی است و به علت توالی بین بعد کیفی و کمی، این پژوهش از نوع اکتشافی است. بکارگیری رویکردهای کمی و کیفی درک بهتری نسبت به زمانی که این رویکردها را جداگانه به کار برده می‌شود، از موضوع تحقیق به دست می‌دهد. در این طرح ابتدا داده‌های کیفی (مصاحبه غیرساختارمند) و سپس در مرحله دوم داده‌های کمی (به روش پیمایشی) گردآوری و تحلیل شدند. در نهایت، هر دو تحلیل کیفی و کمی یک جا مورد تفسیر قرار گرفتند. جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد. با توجه به حجم جامعه آماری (۲۶۷۹ نفر)، تعیین حجم نمونه برابر ۳۷۸ نفر برآورد گردید اما در پایان از مجموع

۴۰۰ پرسشنامه توزیع شده، ۳۵۷ پرسشنامه قابل استفاده بود و همین تعداد مبنای تحلیل‌های آماری قرار گرفت.

با توجه به کیفی بودن این تحقیق، از نمونه‌گیری غیراحتمالی استفاده شده است. برخی از طرح‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی قابل اعتمادتر از بقیه هستند. این دسته از طرح‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی شامل دو گروه گسترده طرح‌های جامعه در دسترس و هدفمند می‌باشند. این تحقیق از شیوه نمونه‌گیری هدفمند قضاوتی است. به منظور انجام بخش کیفی در دور اول، محقق بر مبنای مطالعه مبانی نظری جهت انجام مصاحبه‌های اکتشافی با تسهیلگران در حوزه توانمندسازی زنان و نیز تجربیات محقق در این زمینه به عنوان حوزه شغلی، اقدام به تدوین مصاحبه پژوهش کیفی نمود. مصاحبه دارای ۹ سؤال با پاسخ‌های باز بوده است. مصاحبه به منظور تأیید به لحاظ روایی در اختیار اساتید راهنما و مشاور قرار گرفت و پس از تأیید از سوی اساتید، محقق اقدام به انجام مصاحبه‌های عمیق با ۱۰ نفر از کارشناسان (تسهیل‌گران) و خبرنگاران در حوزه توانمندسازی زنان نمود. پس از انجام مصاحبه‌ها با خبرنگاران و کارشناسان حوزه توانمندسازی، محقق اقدام به پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها به روش کدگذاری نمود. بدین طریق که با هماهنگی با مصاحبه‌شونده، محقق صدای آنان را جهت پیاده‌سازی گفتگوی انجام شده ضبط نمود و پس از انجام مصاحبه اقدام به پیاده‌سازی متن آن گردید. سپس، به روش کدگذاری، محقق به استخراج مقوله‌ها مبادرت نمود. در پایان کدگذاری مصاحبه‌ها، محقق به استخراج ۶۰ مؤلفه در ذیل سه بُعد کلی توانمندسازی از قبیل توانمندسازی روان‌شناختی (۱۸ مؤلفه)، اقتصادی (۱۱ مؤلفه) و اجتماعی- فرهنگی (۳۱ مؤلفه) در سطوح خرد و کلان نمود. سپس پرسشنامه دیگری برای انجام دور دوم دلفی مبتنی بر خروجی مرحله اول دلفی (۶۰ مؤلفه به دست آمده ذیل سه بُعد کلی) طراحی گردید و در اختیار مصاحبه‌شوندگان دور اول قرار گرفت. هدف از انجام دور دوم، این بود که مصاحبه‌شوندگان مرتبط یا نامرتب بودند هر مؤلفه به دست آمده در دور اول را در ذیل هر بُعد مشخص کرده و از ۱ تا ۱۰ امتیاز بدهند. در پایان دور دوم دلفی، برحسب تعیین ارتباط و امتیازاتی که مصاحبه‌شوندگان به مقوله‌های استخراج شده داده بودند، محقق مدل کلی توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز را طراحی و تدوین نمود. در بخش کمی از پرسشنامه محقق ساخته برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. پرسشنامه کمی در دو بخش سؤالات عمومی و اختصاصی طراحی گردید. پرسشنامه بر اساس روش لیکرت طراحی و سؤالات هر بخش اختصاصی و در واقع بر اساس مؤلفه‌های استخراج شده

در دور اول در سه بُعد توانمندسازی روان‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی بود که هدف این پرسشنامه در بخش اختصاصی بررسی ادراکات و نگرش زنان حاشیه‌نشین شرکت‌کننده در کارگاه‌های توانمندسازی بوده است. در بخش کیفی داده‌های حاصل به‌صورت تحلیل محتوا با روش کدگذاری باز و کدگذاری محوری تجزیه و تحلیل شد. در بخش کمی، تجزیه و تحلیل‌های این پژوهش در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی (تحلیل عاملی اکتشافی) صورت گرفت. در بخش کیفی این پژوهش و پایایی داده‌ها بر اساس معیارهای پیشنهادی (Lincoln & Guba 1989): اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأییدپذیری انجام شد. در این پژوهش، قابلیت اعتماد نتایج از طریق بررسی داده‌ها و ثبت و ضبط جزئیات پژوهش، بازبینی در زمان کدگذاری، طبقه‌بندی یا تأیید نتایج با مراجعه به آزمودنی‌ها، تأیید همکاران پژوهشی و مشارکت اعضاء در کدگذاری داده‌ها و در جریان قرار گرفتن اساتید راهنما و مشاور به‌دست آمد. در بخش کمی به‌منظور سنجش پایایی از آزمون آلفای کرونباخ و جهت بررسی روایی از روایی سازه که مهم‌ترین نوع روایی سازه، تحلیل عاملی است بهره گرفته شد.

یافته‌ها

در این پژوهش یافته‌های کمی نشان می‌دهد که بیشتر زنان شرکت‌کننده مدت حضور ۲ ماه در کارگاه توانمندسازی را با ۳۸/۱ درصد نشان دادند و عموماً مدت حضور زنان، بین ۲ ماه تا ۵ ماه پراکندگی بیشتری داشت. در خصوص وضعیت تأهل آنان، بیشترین میزان فراوانی متعلق به طبقه متأهل با ۴۶/۶ درصد و پس از آن طبقه مجرد با ۳۴/۲ درصد و بیشترین آمار زنان شرکت‌کننده در کارگاه‌های توانمندسازی مربوط به طبقه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال با ۳۶/۴ درصد بود که نشان از گرایش جوانان به مباحث مربوط به توانمندسازی زنان و دختران است. پس از آن زنان ۳۱ تا ۴۰ سال با ۳۱/۴ درصد قرار دارند. سطح سواد عموم آنان (مجموعاً با ۶۵/۷ درصد) زیر دیپلم بود. این میزان برای سطح تحصیلی دبیرستان برابر با ۲۲/۵ درصد، راهنمایی ۲۳/۶ درصد، در حد ابتدایی با ۱۷/۱ درصد است. تحصیلات دیپلم برابر با ۲۰/۸ درصد بوده است و بالاتر از سطح دیپلم، برابر با ۳/۹ درصد برای فوق‌دیپلم، ۹/۳ درصد برای لیسانس و بالاتر از لیسانس تنها ۱ مورد وجود داشت. در خصوص محل سکونت قبلی و فعلی شرکت‌کنندگان در تحقیق، یافته‌ها نشان از این موضوع دارد که بیشتر کسانی که در مناطق حاشیه شهر اهواز سکونت دارند از روستاها و شهرستان‌های استان

خوزستان به اهواز مهاجرت نموده‌اند. اگرچه در میان حاشیه‌نشین‌ها افرادی از تهران، خمین مرکزی، زرین شهر اصفهان، زاهدان و یاسوج دیده می‌شود؛ اما در مورد سکونت فعلی آنان، بیشتر حاشیه‌نشین‌ها (۷۳/۹ درصد) در حوزه شهری شهر اهواز سکونت داشتند. در ارتباط با منبع درآمد خانواده، از میان زنان شرکت‌کننده در تحقیق، ۱۸۶ نفر با ۵۲/۲ درصد اعلام داشتند که خود مسئولیت درآمدزایی خانواده را بر عهده‌دارند که میزان قابل توجهی است و از مجموع دلایل این زنان که مسئول درآمدزایی خانواده شده‌اند، ۴۱/۱ درصد ناتوانی پدر و ۳۱/۹ درصد طلاق را به‌عنوان اصلی‌ترین دلایل عنوان داشتند. در خصوص منبع ارتزاق و درآمد نیز یافته‌های حاکی از کارگری با ۱۹/۲ درصد و خیاطی با ۱۸/۳ درصد به‌عنوان منبع اصلی درآمد است و ۹۶ درصد شرکت‌کنندگان عنوان داشتند که درآمد خانواده‌شان کفاف هزینه‌های زندگی‌شان را نمی‌دهد. در ارتباط با متغیر بُعد خانوار، بیشترین خانواده‌ها بین ۲ و ۳ فرزند را دارا بوده‌اند. بیشترین میزان افراد تحت پوشش مربوط به خانوارهایی با ۵ و ۴ نفر تحت پوشش بوده‌اند. این میزان برای خانوارهای ۵ نفر تحت پوشش برابر با ۳۲/۸ درصد و خانوارهای ۴ نفر تحت پوشش برابر با ۲۲/۷ درصد بوده است. همچنین در ارتباط با متغیر وضعیت اشتغال، ۸۵ درصد پاسخ‌دهندگان عنوان داشتند که شغلی ندارند و تنها ۱۵ درصد شاغل بودند و در مورد زمینه‌های شغلی افراد شاغل، بیشترین زمینه شغلی زنان حاشیه‌نشین، مربوط به خیاطی با ۳۹/۶ درصد و سپس آرایشگری، پخت نان و کارگری هرکدام با ۸/۳ درصد است. بیشترین مهارتی که زنان حاشیه‌نشین بدان اشاره داشتند مربوط به مهارت خیاطی با ۵۸/۸ درصد بوده است. در بین زنان گروهی که سرپرست خانوار هستند به دلیل سبک زندگی، فقر و عدم خودکفایی افسردگی بیشتری نشان می‌دهند.

پس از تحلیل ۱۰ مصاحبه انجام‌شده، ۳۹۴ کدباز به دست آمد که با بررسی کدهای باز ارائه‌شده، ۶۰ کدباز را که به لحاظ معنایی و مفهومی با یکدیگر شباهت داشته‌اند را شناسایی نموده و در سه مقوله کلی روان‌شناختی (با ۱۸ کدباز)، اقتصادی (با ۱۱ کدباز) و اجتماعی-فرهنگی (با ۳۱ کدباز) دسته‌بندی گردیده که در جدول‌های ۱، ۲ و ۳ بر اساس مجموع درصد اهمیت و اولویت مقوله‌ها در ابعاد روان‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی-فرهنگی آورده شده است. با توجه به یافته‌های جدول ۱، ترتیب مقوله‌های بُعد روان‌شناختی بر مبنای درصد اهمیت: ۱- عزت نفس (۸۵/۸ درصد)، ۲- انگیزشی (۸۱ درصد)، ۳- خودتعیین‌گری (۷۸ درصد)، ۴-

Table 1.
Total percentage of importance and priority of categories in the psychological dimension

Axial category	Components	Percentage of importance	Total percentage of importance	Priority
Self-esteem	Increasing the self confidence	93	85.8	1
	Self-importance (self-attention)	81		
	Increasing Self-belief	87		
	Lack of helplessness	82		
Self-determination	Strengthening individual decision-making power	84	78	3
	Increasing individual autonomy	75		
	Thinking about solving problems (ability to think)	75		
Self-efficacy	Expressing personal needs and wishes	73	66.2	6
	Comment	59.4		
Ability and adequacy	Ability to "say no"	74	73	4
	Ability to solve self and others' problems	73		
	Becoming a better person	72		
Control negative emotions	Overcoming depression	65.7	68.6	5
	Less grief	68		
	Control over stress and anxiety	72		
Motivational	Personality growth	79	81	5
	Morale strengthen and increase motivation	83		
	The spirit of changeability	81		
Mean percentage of importance of components			74.4	

توانایی و کفایت (۷۳ درصد)، ۵- کنترل احساسات منفی (۶۸/۶ درصد) و ۶- خود اثربخشی (۶۶/۲ درصد) می‌باشد. به علاوه، نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد مقوله‌های بُعد اقتصادی بر مبنای درصد اهمیت به ترتیب: ۱- انگیزه مهارت‌آموزی (۸۴ درصد)، ۲- مدیریت درآمد (۸۰/۷ درصد)، ۳- دانش شغلی (۷۵/۵ درصد) و ۴- دانش کسب‌وکاری (۷۲ درصد) می‌باشد. همچنین همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد مقوله‌های بُعد اجتماعی- فرهنگی بر مبنای درصد اهمیت: ۱- تعامل اجتماعی (۸۵ درصد)، ۲- مؤلفه‌های فردی (۸۴/۸ درصد)، ۳- مدیریت خانواده (۸۴/۲ درصد)، ۴- عرف‌های قومی (۸۱ درصد)، ۵- روابط با همسر (۷۸/۶ درصد)، ۶- بهداشتی و سلامت (۷۷ درصد)، ۷- سطح سواد و آگاهی (۷۵ درصد) و ۸- روابط با فرزندان (۷۰/۲ درصد) می‌باشد.

بر مبنای درصد اهمیت کلی مقوله‌های ابعاد توانمندسازی (اجتماعی- فرهنگی: ۷۹/۵؛ اقتصادی ۷۸/۱ و روان‌شناختی ۷۴/۴) الگوی زیر، به‌عنوان الگوی نهایی توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز پیشنهاد می‌گردد.

Table 2.

Total percentage of importance and priority of categories in the economic dimension

Axial category	Components	Percentage of importance	Total percentage of importance	Priority
Motivation to learn skills	Motivate to learn job skills	81	84	1
	Familiarity with individual skills for economic gain	87		
Income management	Providing live for the family	80	80.7	2
	Insufficient income of the spouse (family aid income)	78		
	Familiarity with the management (better control over family income)	84		
Job knowledge	Familiarity with home employment	80	75.5	3
	Familiarity with various job opportunities	77		
	Familiarity with ways to overcome job restrictions	73		
	Familiarity with career paths	72		
Business knowledge	Familiarity with business issues and markets	73	72	4
	Familiarity with how to enter the markets to earn money	71		
Mean percentage of importance of components			78.1	

Table 3.

Total percentage of importance and priority of categories in the socio-cultural dimension

Axial category	Components	Percentage of importance	Total percentage of importance	Priority
Social interaction	Increasing motivation to participate in society as a citizen	88	85	1
	Strengthening social communication	82		
Literacy and awareness level	Increasing level of awareness and information	85	75	7
	Interest and motivation to continue education	70		
	Familiarity with support institutions	70		

Relationships with spouse	Appropriate training in the field of marriage	69.3	78.6	5
	Love and affection to spouse	80		
	Strengthening the relationship with the spouse's family	80		
	Learning the necessary training in dealing with your spouse's addiction	80		
	Better management and control of spouse aggression at home	81		
	Negotiation (talk / consult) with spouse about issues and problems	81		
Relationships with children	Appropriate parenting training (child-rearing)	72	70.2	8
	Increasing attention and awareness about the child's health during illness	56		
	Increasing attention and awareness of child nutrition during illness	52.8		
	No distinction between son and daughter (discrimination between children)	65.7		
	Love and affection for children	82		
	Pursuing the ability and talent of children	81		
	Gaining necessary training in dealing with child addiction	82		
Health and wellness	Awareness of pregnancy	77	77	6
	Awareness of marital issues	77		
Ethnic customs	Learning the necessary training on compulsory marriages or early marriage (marriage issues)	80	81	4
	Learning the necessary training in dealing with ethnic prejudices and misconceptions	82		
family management	Participating in family decision making	82	84.2	3
	Increasing the sense of responsibility towards the family	88		
	Creating happiness in the family	82		
	Better family management	80		
	Increasing commitment to improving the family condition	89		
Individual components	Hope for the future	88	84.8	2
	Defending self-rights	84		
	Increasing resilience to difficulties and problems	88		
	Creating individual identity	79		
Mean percentage of importance of components				79.5

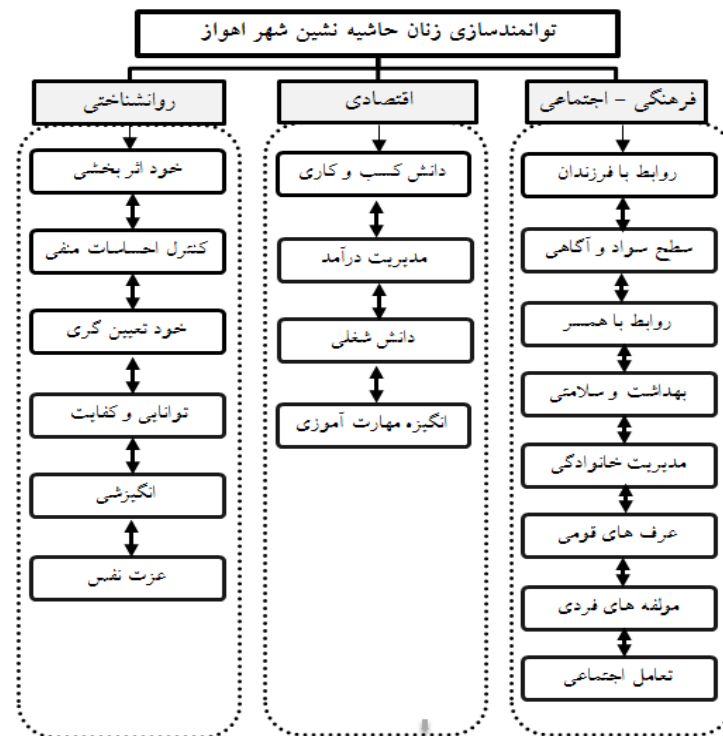


Figure 2. The final model of empowerment of marginalized women in Ahvaz

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف طراحی و تدوین الگوی توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز انجام شد که تمامی مصاحبه‌شوندگان بر وضعیت نامناسب و نامطلوب زنان حاشیه شهر اهواز اشاره داشته‌اند. روابط عاطفی، سطح آگاهی و تحصیلات زنان بسیار پایین است و همین موضوع باعث می‌شود که فرزندان‌شان نیز ترک تحصیل کنند. زنان حاشیه اهواز عملاً و کاملاً از واقعیت‌های شهر بریده‌اند. گویی که در یک جزیره زندگی می‌کنند و کاملاً با موارد توسعه‌ای در استان بیگانه هستند. دلیل این امر دو عامل است: یکی عوامل فرهنگی احاطه بر جامعه پیرامونی و دیگری عدم شناخت مسئولین و دستگاه‌های ذی‌ربط است. این دو عنصر در بیگانگی زنان در وضعیتی که در آن قرار دارند به شدت بغرنج است، نقش دارند. چنان‌که از مطلب فوق برمی‌آید زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز در بسیاری از موارد به ویژه موضوعات اجتماعی مانند روابط خانوادگی، همسراری، کودک‌پروری

و حتی موضوعاتی از قبیل بارداری و سلامت نه تنها بی توجه هستند که اساس این بی توجهی، نابلد بودن و عدم آگاهی در این زمینه است.

به‌طور کلی، زنان حاشیه‌نشین اهواز، در شرایط بسیار بدی به سر می‌برند. هر چند اقدامات کمک‌کننده و تسهیل‌گر به منطقه سرازیر شده است، اما با این حجم و عمق واقعه جوابگوی مسائل و مشکلات زنان در این مناطق نیست و نیازمند اقدامات جدی‌تر در سطح استانی و ملی است. زنان قربانیان اصلی در مواردی چون فقر و خشونت و عدم برخورداری از تغذیه و بهداشت مناسب هستند. زنان به دلیل فقر فرهنگی و اقتصادی و عدم دسترسی به مواهب و خدمات شهری به‌خصوص وضعیت نامناسب بهداشت محیط و بهداشت فردی در رنج هستند و بر اساس نظریه تله محرومیت چمبرز از پنج خوشه نامساعد فقط، ضعف جسمانی، انزوای خانوار، محرومیت، آسیب‌پذیری و بی‌قدرتی خانوار رنج می‌برند (Kermani et al., 2018; Naghdi, 2015). از این‌رو توجه به بهبود موقعیت زنان نفع همگانی را در بردارد.

مدل‌های عاملی نشان داد که بُعد توانمندسازی روان‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی اثر معنی‌داری بر توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین دارد. بُعد توانمندسازی روان‌شناختی زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز از مؤلفه‌های مهم در توسعه پایدار محسوب می‌شود، زیرا زنان از دو طریق بر توسعه اثر می‌گذارند. اول تأثیر مستقیم بر شاخص‌های توسعه همچون جمعیت، بهداشت و مانند این‌ها که زنان نقش کلیدی در تحقق آن‌ها ایفاء می‌کنند و اصولاً دستیابی به اهداف این شاخص‌ها بدون اهمیت و اولویت دادن به زنان و ارائه راهکارهای جنسیتی غیرممکن است. دوم این‌که زنان به‌طور غیرمستقیم بر شاخص‌های توسعه اثر گذارند، زیرا آن‌ها مجموعه متنوعی از تأثیرات غیرمستقیم بر افزایش یا کاهش عددی شاخص‌ها و در نتیجه دستیابی به اهداف توسعه را دارند؛ مثلاً، زنان در نقش آموزگاران خانگی مجموعه‌ای از آموزش‌های غیررسمی را به فرزندان خویش می‌آموزند. این آموزه‌ها به‌سرعت در روند توسعه مفهوم پیدا می‌کند و تأثیرگذار می‌شود. در نتیجه، زنان عاملان توسعه قلمداد می‌شوند و توانمند ساختن آن‌ها در رسیدن به اهداف توسعه پایدار کمک خواهد کرد (Ghasemi, Alizadeh & Kandahari, 2018). این مطالعه با نتایج پژوهش‌های (Jalilian and Saadi, 2017) و (Torabi Momen et al., 2017) و (Karimivakil, 2017) هم‌راستا می‌باشد.

زنان سرپرست خانوار به‌واسطه آموزش‌های مداخله‌گرایی مددکاری اجتماعی، توانمندسازی روانی‌شان در مؤلفه‌های عزت‌نفس، خود اثربخشی، استقلال فکری و احساس قدرت، افزایش

داشته است (Torabi Momen et al., 2017). پرداختن به سه مقوله اصلی توانمندسازی روان‌شناختی از قبیل کفایت عاطفی و خوداثربخشی می‌تواند منجر به ایجاد توانا شدن زنان حاشیه‌نشین گردد (Jalilian & Saadi, 2016). توانمندسازی روان‌شناختی زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز، می‌بایست ابتدا در مهم‌ترین مقوله شناسایی شده یعنی عزت‌نفس مورد توجه قرار گیرد. از آنجایی که به زعم مصاحبه‌شوندگان، آنچه زنان حاشیه‌نشین در بُعد روانی از آن رنج می‌برند مباحث مربوط به اعتماد به نفس، نبود خودباروری و احساس درماندگی بالا است که بیشتر به واسطه زمینه‌های فرهنگی ایجاد شده است. مورد مفاهیم انگیزشی به‌خصوص تقویت روحیه است که می‌تواند محرک درونی و یا بیرونی برای خروج آنان از ناتوانی فردی ادراک شده‌شان به شمار رود. در ادامه مباحث مربوط به خود تعیین‌گری مانند قدرت تصمیم‌گیری که از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در مقوله خود تعیین‌گری روان‌شناختی است، پرداخته شود و زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز را در این مؤلفه‌ها توانا نمود.

اما برای این که بتوان زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز را در بُعد روان‌شناختی، توانمند نمود، می‌بایست به سیاست‌گذاری در این زمینه پرداخت. در واقع، سیاست‌گذاری در امور اجتماعی مانند توانمندسازی، به‌عنوان بدیلی برای مدیریت اجتماعی یک پدیده به شمار می‌رود. هدف از سیاست‌گذاری اجتماعی در بافت حاشیه‌نشین، حفاظت از شهروندان به‌خصوص در برابر مخاطرات و تأمین برابری اجتماعی و هم‌راستایی با توسعه اجتماعی است (Vesali & Omid, 2014).

در بُعد توانمندسازی اقتصادی، زنان در گستره جهانی نقش عمده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی دارند، اما فعالیت اقتصادی آنان در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه در نواحی حاشیه‌نشین شکل متفاوتی دارد. زنان در سراسر جهان، همواره بیش از دوسوم از بار کار را بر دوش داشته‌اند، اما تنها ده درصد از کل درآمد جهانی و فقط یک درصد از ثروت جهان نصیب آنان شده است. یکی از راه‌های مهم برای بهبود وضعیت زنان، توانمندسازی آن‌ها در جنبه‌های مهم زندگی به‌ویژه بُعد اقتصادی است. توانمندسازی زنان نه تنها به نفع خود آن‌ها، بلکه به نفع کل خانواده است (Sayydeh, Eshraghi Samani, & Poursaeed, 2017). بر اساس نتایج کیفی و کمی در این پژوهش مقوله‌های انگیزه مهارت‌آموزی، مدیریت درآمد، دانش شغلی و دانش کسب و کاری در بُعد اقتصادی به‌دست آمد. مدل‌های عاملی ارائه‌شده در این پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های استخراج‌شده در بُعد اقتصادی تأثیر معنی‌داری بر توانمندسازی اقتصادی زنان حاشیه‌نشین دارد و

از بین این مقوله‌ها، مقوله انگیزه مهارت‌آموزی بیشترین تأثیر را بر توانمندسازی اقتصادی زنان حاشیه‌نشین دارد. این مطالعه با نتایج پژوهش‌های (Ghiasvand and Amari (2012)، (2018) Kermani et al.، (2018) Cinar and Kose، (2018) Heydari و (2016) Afshan and Fatehi هم‌راستا می‌باشد.

حضور زنان در محیط‌های اجتماعی و گروهی می‌تواند بر توانمندسازی اقتصادی و حرفه‌ای‌شان اثرگذار باشد (Ghiasvand & Amari, 2012). همچنین (Kermani et al. (2018 معتقدند که برخورداری از مهارت‌های فنی، اشتغال و درآمدزایی بر توانمندسازی زنان به‌شدت ضریب اثرگذاری بالایی در توانمندی اقتصادی در بیشتر زنان سرپرست خانوار دارد. لذا با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش مورد فوق مورد توجه قرار گیرد می‌تواند اثر پایداری را در بافت حاشیه داشته باشد. یافته‌ها نشان دادند محوری‌ترین مقوله در بُعد توانمندسازی اقتصادی، ایجاد انگیزه مهارت‌آموزی بوده است که بسیاری از مطالعات نیز بر آن تأکید داشته‌اند و پیامدی که از این تأکید می‌توان انتظار داشت افزایش در دانش شغلی زنان حاشیه‌نشین است که به نوبه خود می‌تواند بر دانش کسب و کار و مدیریت درآمد اثرگذار باشد.

در بُعد توانمندسازی اجتماعی- فرهنگی زنان، توانمندی اجتماعی در واقع نوعی فرآیند کنش اجتماعی است که افراد، اجتماعات و سازمان‌ها از خلال آن نوعی سروری و تسلط بر زندگی خود را به دست می‌آورند (Farashi, Rahimian & Gholamrezai, 2017). یافته‌ها بر این موضوع تأکید داشتند که با توانمندسازی اجتماعی زنان می‌توان انتظار داشت که در سایر ابعاد مانند اقتصادی و فردی نیز اثرات مطلوبی بر جای گذارد. این مطالعه با نتایج پژوهش‌های (Tofighianfar et al. (2016 و (2017) Karimivakil هم‌راستا می‌باشد.

گسترش شبکه‌های اجتماعی و مشارکت زنان در طرح‌های خودکفایی باعث تقویت توانمندسازی اجتماعی زنان خواهد شد (Tofighianfar et al., 2016). Kiai, Parsi and Farhangi (2017) معتقدند که ابعادی از قبیل آگاهی و اعتماد اثرگذاری بیشتر در توانمندسازی اجتماعی- فرهنگی زنان دارد. تمرکز بر مؤلفه‌های اجتماعی در مطالعه حاضر نشان داد که اصلی‌ترین بُعد در توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز است. به‌طوری‌که اولین عامل را تعامل اجتماعی عنوان نمود که با افزایش مشارکت و حضور زنان در اجتماع و گسترش شبکه روابط می‌تواند پیامدهای مثبت در مدیریت خانوادگی، مقوله‌های فردی و عرف‌های قومی داشته باشد؛ بنابراین با توجه به

تحلیل یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که بدون شک، مهم‌ترین عاملی که رشد و توسعه اقتصادی-اجتماعی را تسریع می‌بخشد منابع انسانی آن جامعه است. هر جامعه انسانی نیز متشکل از زنان و مردانی است که تحت روابط متقابل اجتماعی، در عین وابستگی متقابل هریک از دو جنس به یکدیگر، نقش و کارکرد ویژه‌ای را ایفا می‌کند (Safaeipour & Zadoli Khajeh, 2016).

توسعه انسانی زنان به دو دلیل باید در اولویت تمام برنامه‌ها باشد. اول این‌که شاخص‌های توسعه انسانی زنان در ایران در مقایسه با مردان بسیار کمتر است و از طرف دیگر توسعه انسانی زنان بازده مضاعف داشته و علاوه بر شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های زنان به ارتقاء فرهنگی جامعه و فرهنگ‌سازی نیز کمک مؤثری خواهد کرد.

توانمندسازی زنان به‌طور گسترده به‌عنوان عاملی بسیار مهم در توسعه و ایجاد تغییرات پایدار در جامعه است. لذا برای توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین شهر اهواز در سه بُعد روان‌شناختی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی از قبیل آموزش مهارت‌های اساسی زندگی به زنان حاشیه‌نشین، آموزش مهارت‌های فردی، مهارت‌های اجتماعی، برگزاری دوره‌های تربیت تسهیلگران محلی جهت زنان حاشیه‌نشین، آموزش مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای، آموزش مباحث مربوط به اشتغال و کارآفرینی، آموزش بازاریابی و چگونگی ورود به بازار کسب‌وکار، آموزش مهارت‌های همسرداری و فرزندپروری، آموزش مدیریت خانواده و ایجاد نشاط و شادابی در خانواده، آموزش راه‌های پیشگیری از اعتیاد در خانواده، یادگیری آموزش‌های لازم در برخورد با تعصبات قومی و باورهای غلط را اشاره نمود. این پژوهش تفاوتی در میان زنان سرپرست خانوار، زنان مطلقه و زنان شاغل قائل نشده است و به‌طور کلی زنان حاشیه‌نشین را مدنظر قرار داده است که خود می‌تواند در تعمیم نتایج محدودیت ایجاد نماید و همچنین این پژوهش در حاشیه شهر اهواز انجام شده است و چون حاشیه شهرهای استان خوزستان از نظر فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فضای متفاوتی نسبت به حاشیه شهرها در استان‌های دیگر دارد بنابراین نتایج این پژوهش قابلیت تعمیم به استان‌های دیگر را ندارد.

سهم مشارکت نویسندگان: سهم نویسندگان در پژوهش حاضر به یک میزان بوده است.

سپاسگزاری: از تمامی شرکت‌کننده‌های این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را داریم

تضاد منافع: اظهار می‌دارند هیچ‌گونه تعارض منافی در خصوص این مقاله وجود ندارد.

منابع مالی: این مقاله با هزینه خود نویسنده انجام شده است.

References

- Afshan, S. A. R., & Fatehi, E. (2016). An investigation of socio-cultural factors influencing women householder abilities in the city of Tabriz. *Quarterly Journal of Women and Society*, 7(27), 19-38. [Persian]
- Ayatollah, A. (2017). *Investigating the phenomenon of marginalization with the focus on the housing system*. 3rd Annual Conference on Architectural, Urban Planning and Urban Management Research, Ambassadors of Mehrizi Institute of Architecture and Urban Planning, Shiraz. [Persian]
- Cinar, K., & Kose, T. (2018). The determinants of women's empowerment in Turkey: A multilevel analysis. *South European Society and Politics*, 23(3), 365-386.
- Ewerling, F., Lynch, J. W., Victora, C. G., van Eerdewijk, A., Tyszler, M., & Barros, A. J. (2017). The Swper index for women's empowerment in Africa: development and validation of an index based on survey data. *The Lancet Global Health*, 5(9), 916-923.
- Farashi, M., Rahimian, M., & Gholamrezai, S. (2017). Microcredits: Social empowering or disempowering of rural women: the case of nahavand township. *Iranian Agricultural Extension and Education Journal*, 13(2), 204-189. [Persian]
- Farhadi, M., Yarmohamadi Vasel, M., Zoghi Paidar, M. R., & Chegini, A. A. (2017). The efficacy of hypnotherapy based on ego strengthening on treatment of major depression in female-headed households. *Journal of Psychological Achievements*, 24(1), 63-78. [Persian]
- Ghasemi, M., Alizadeh, L., & Kandahari, E. (2018). Development of psychological empowerment strategies for rural women using SWTO-QSPM strategic management tools. *Quarterly Journal of Women in Development and Politics*, 16(1), 109-79. [Persian]
- Ghiasvand, A., & Amari, H. (2012). Evaluation of the social impact of shahrbanoo complexes on the empowerment of women in Tehran. *Social Development and Welfare Planning*, 4(12), 167-147. [Persian]
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1989). *Fourth generation evaluation*. California: Sage Publications, Inc.
- Heidari Sareban, V. (2019). Role of social capital on rural women empowerment in Meshkinshar County, case study: central district. *Quarterly of Geography (Regional Planning)*, 8(3), 239-253. [Persian]
- Heydari, F. (2018). The role and participation of women in sustainable development. *Journal of Human Rights Research*, 3(11), 116-99. [Persian]
- Holliday, J., Hennebry, J., & Gammage, S. (2018). Achieving the sustainable development goals: surfacing the role for a gender analytic of migration. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 45(2), 1-15.
- Jalilian, S., & Saadi, H. (2016). Investigation effect of socio- economical components on rural women's psychological empowerment in Islamabad Qarb County. *Journal of Rural Research*, 6(4), 745-767. [Persian]

- Karimivakil, A., Shafiabadi, A., Farahbakhsh, K., & Younesi, J. (2017). Effectiveness of psychological empowerment training program based on individual psychology Adler's theory on female-headed household's learned helplessness. *Quarterly of Counseling Culture and Psychotherapy*, 8(31), 23-51. [Persian]
- Kermani, M., Noghani Dokht Bahmani, M., & Kashani Bradaran, Z. (2018). Qualitative meta-analysis of two decades of research in the field of rural and urban women empowerment in Iran. *Women S Studies (Sociological & Psychological)*, 16(2), 33-54. [Persian]
- Kiai, H., Parsi, H., & Farhangi, A. A. (2017). Analysis of the effect of print media (electronic and print) on the empowerment of working women. *Journal of Social Studies in Iran*, 6(4), 687-661. [Persian]
- Naghdi, A. (2015). *Marginalized women, leading issues and challenges*. World Economy Newspaper, 3703, news code: 3286062, access via: <https://b2n.ir/386521> [Persian]
- Norozi, F. (2016). *Explaining groundbreaking theories in drawing a causal model of women's empowerment with emphasis on economic empowerment*. International Conference of Management Elites, Tehran. [Persian]
- Safaeipour, M., & Zadoli Khajeh, Sh. (2016). An analysis of barriers to women's economic participation in Iran (case study: Tabriz metropolis). *Economics and Development Sociology*, 5(1), 63-85. [Persian]
- Sayydeh, T., Eshraghi Samani, R., & Poursaeed, A. (2017). The role of occupational capability in the self-reliance of rural women in Ilam County. *Journal of Rural Research*, 8(3), 554-571. [Persian]
- Sell, M., & Minot, N. (2018). What factors explain women's empowerment? Decision-making among small-scale farmers in Uganda. *Women's Studies International Forum*, 71, 46-55.
- Sraboni, E., & Quisumbing, A. (2018). Women's empowerment in agriculture and dietary quality across the life course: Evidence from Bangladesh. *Food Policy*, 81, 21-36.
- Tofighiyanfar, A. H., Azizi, J., Seifori, B., Behjati Asl, F., & Ghayedgivi, F. (2016). The relationship between self-sufficiency plans of Imam Khomeini relief committee and the empowerment of women heads of household (Case study: The province of Kohgiluyeh and Boyerahmad). *Quarterly Journal of Women and Society*, 7(26), 89-114. [Persian]
- Torabi Momen, E., Raheb, G., Ali Pour, F., & Biglarian, A. (2017). The effectiveness of group social work intervention with developmental approach on psychosocial empowerment of female-headed households. *Archives of Rehabilitation (Previously Named "Journal of Rehabilitation")*, 18(3), 242-253. [Persian]
- Vesali, S., & Omid, R. (2014). Social policy: Contexts and approaches. *Quarterly Journal of Planning and Budgeting*, 19(1), 206-179. [Persian]

